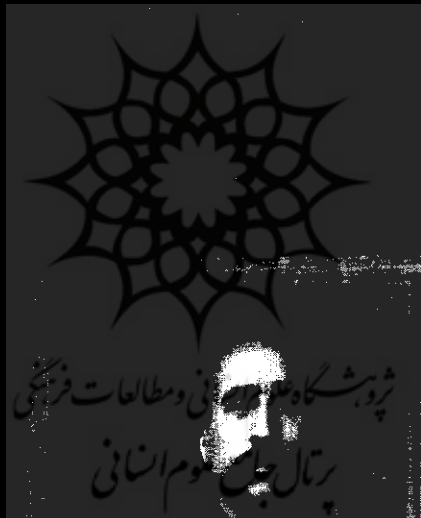


پرونده مردم شناسی
پژمان جامع علوم - خانی

میراث فرهنگی

● گزارش سالگرد جشن مشروطیت در تبریز / طوبی ساطعی

همایش بزرگداشت مشروطه



پرویش گاه مثنوی و مطالعات فرهنگی
سال چهل و سوم انسانی

زمان: ۱۴ مرداد ۱۳۸۱
تبریز: بلوار ۲۹ بهمن
مجتمع فرهنگی هنری
خیابان شهید مطهری
خانه مشروطه

همایش بزرگداشت مشروطه

گزارش همایش بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطیت

به مناسبت سالروز صدور فرمان مشروطیت همایشی در روز دوشنبه ۱۴ مرداد ماه در تبریز برگزار شد. برنامه صبح با خیر مقدم و سخنرانی استنادار آذربایجان شرقی دکتر سبحان اللهی آغاز شد. سپس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنرانی کرد. بعد از استقرار هیأت رئیسه دکتر غلامرضا وطن دوست تحت عنوان «پیرامون اوضاع اجتماعی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت» سخنرانی کرد. دکتر برادران شکوهی تحت عنوان «پیرامون بیداری و نقش زن در نهضت مشروطیت ایران از خلال مطبوعات» مقاله خود را ارائه کرد. بعد از پذیرایی دکتر منصوره اتحادیه پیرامون «پیدایش احزاب و انجمن‌های سیاسی در مجالس اول و دوم» مطالبی بیان داشت. رحیم رئیس‌نیا پیرامون «آزادی قلم در مطبوعات دوره مشروطه» سخنرانی کرد. و سرانجام کاوه بیات درباره «پیرامون انتخابات مجلس چهارم در آذربایجان» مقاله خود را ارائه کرد.

در برنامه عصر که در محل خانه مشروطیت انجام شد مهندس تقی‌زاده خیرمقدم گفت. علی‌اصغر شعر دوست نماینده تبریز در مجلس سخنرانی کرد، سپس حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی درباره «افکار و عقاید و آرای آخوند ملاکاظم خراسانی» سخنرانی خود را ارائه کرد. بعد از قرائت شعر پرده‌برداری از تندیس باقرخان انجام شد و استاد دکتر اسفندیار قره‌باغی به همراه هنرجویانش قطعاتی اجرا کردند که مورد توجه حضار قرار گرفت. و شعر ترکی خوانده شد

و همچنین موسیقی آذری اجرا و از مجسمه علی‌مسیو پرده برداری شد و نمایش چهره به چهره به روی صحنه رفت. «موزه مشروطیت» با مدیریت ساعد هدایی اداره می‌شود.

در این همایش برنامه‌های متنوعی ارائه گردید. نمایشگاه کتب و آثار دوران مشروطیت که به همت سازمان میراث فرهنگی در محل خانه مشروطیت تبریز بر پا شد و تعداد ۴۰۰ اثر خوشنویسی، عکس، سند و تابلوهایی از سران مشروطه خواه و تعدادی کتب مربوط به حوادث دوران مشروطیت به نمایش در آمد. ۳۱ فقره از آثار عکس این نمایشگاه در دوران نهضت مشروطیت توسط عکاسان اروپایی به تصویر کشیده شده است.

همچنین در بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتابخانه مرکزی تبریز از این شهر به عنوان دیاری که در آن مهربانی و کار جمعی شکل گرفته است، نام برده و اشاره کرد که: «این منطقه در طول تاریخ تهاجمات مختلفی را تحمل کرده و با ایستادگی مردانه، جانانه و جاودانه از کلیت نظام ملی ایران چه به صورت فیزیکی و چه در حوزه فکر و اندیشه دفاع کرده است.» وی همچنین کتابخانه تبریز را به جهت طراحی ویژه آن برای استفاده افراد با سنین مختلف و دارا بودن مجموعه‌های نفیس، کتابخانه‌ای برجسته و ممتاز عنوان کرد. وی پیشنهاد کرد: برای جذب مجموعه‌های نفیس و تخصصی در این کتابخانه‌ها همت شود. در بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتابخانه مرکزی تبریز، از تندیس چهار شخصیت فرهنگی و خادم کتابخانه‌های آذربایجان شرقی، به نام‌های زنده‌یاد حاج محمد نخجوانی، زنده‌یاد حاج حسین نخجوانی، زنده‌یاد محمدعلی تربیت و نیز علی دهقان پرده برداری شد. در این آیین جوایزی نیز از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و امام جمعه تبریز به علی دهقان مؤسس کتابخانه ملی تبریز اهدا شد.

۳۱۱

برنامه افتتاحیه در محل مجتمع فرهنگی، هنری تبریز با حضور استادان دانشگاه تبریز و تهران، استاندار آذربایجان شرقی، نمایندگان مجلس و جمعی از دانشجویان برگزار شد. متن کوتاه شده چند سخنرانی به بخارا رسیده است که خواهید خواند. مابقی گزارش و سخنرانی‌ها را در شماره آینده منتشر خواهیم کرد.

کاوه بیات، نویسنده، مترجم و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران سخنرانی خود را تحت عنوان «انتخابات مجلس چهارم در آذربایجان» ارائه کرد که مورد توجه حضار قرار گرفت. وی در سخنرانی خود چنین گفت:

«تحولات سیاسی ایران در سالهای پایانی جنگ اول جهانی بیانگر یک دگرگونی عمده در عرصه سیاست و اجتماع در ایران معاصر بود؛ گرایشی روز افزون در جهت جایگزینی یک چارچوب آمرانه به جای دموکراسی پارلمانی پیشین برای پیشبرد و تحقیق پاره‌ای از خواسته‌ها و اصلاحات زیر بنایی مشروطیت.

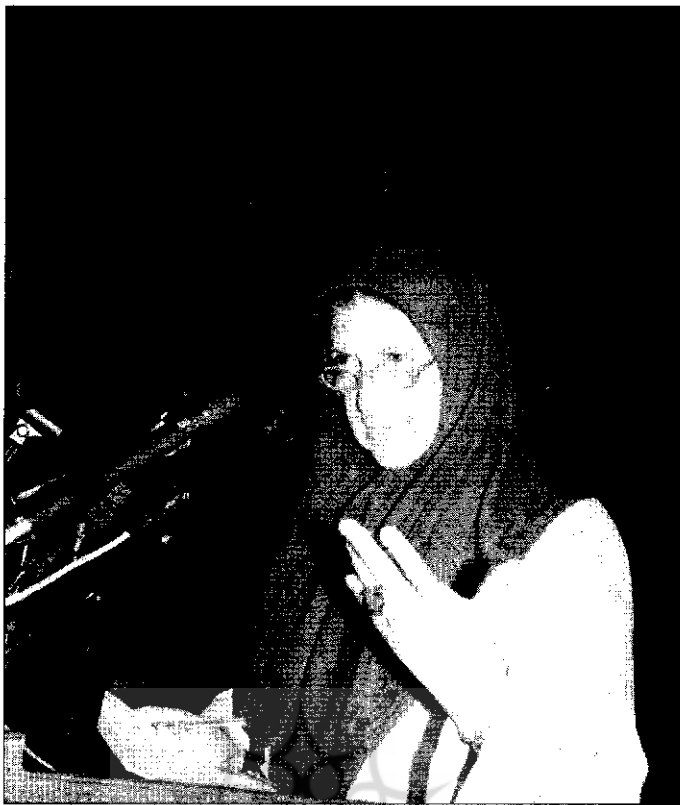
یکی از نخستین نشانه‌های آشکار این دگرگونی را در دوره زمامداری وثوق الدوله در سالهای پایانی جنگ و رویکرد وی نسبت به انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی می‌توان ملاحظه کرد و سعی و تلاش وی برای رهایی مجموعه‌ای از نمایندگان همراه و هوادار او به مجلس، در پاره‌ای از نقاط ایران که تحت اشغال نظامی بریتانیا و حاکمیت وی و حکام منصوب وثوق الدوله قرار داشت، این تمهیدات با مقاومت چندانی روبرو نشد ولی در آذربایجان که هنوز هم به رغم متحمل شدن بیشترین صدمات، پیشتاز مشروطیت بود، این تلاش به جایی نرسید.

در این بررسی که بیشتر بر پاره‌ای از مکاتبات مقامات محلی تبریز و دفتر ریاست وزراء در تهران استوار است نحوه طرح و بحث موضوع انتخابات دوره چهارم مجلس در آذربایجان مورد توجه قرار گرفته است.

در آغاز کار یعنی در زمستان ۱۲۹۷ هجری شمسی درحالی‌که شعبه ایالتی حزب دموکرات ایران به رهبری شیخ محمد خیابانی و دیگر چهره‌های میرز حزب در تبریز یکی از نیروهای عمده محلی محسوب می‌شود، نگرانی دولت وثوق الدوله بیشتر از بابت انتخاب پاره‌ای چهره‌های منفرد و مخالف وثوق الدوله چون مستشارالدوله صادق، میرزا اسماعیل نویری و اجلال الملک تا بدنه اصلی دموکرات‌ها. ولی بتدریج با تعلل دولت در صدور فرمان انتخابات، دامنه مخالفت‌ها بالا گرفت و هنگامی که بالاخره در اواسط تابستان ۱۲۹۸ انتخابات آغاز شد و در عرض چند ماه نتایج آن روشن شد، دامنه اختلافات و مخالفت با دولت وثوق الدوله چنان بالا گرفت که برای احضار وکلای منتخب به تهران و تشکیل مجلس شورا اقدامی صورت نگرفت.

تأخیر و تعلل در صدور فرمان انتخابات و بعد از آن نیز بی‌اعتنایی به نتایج آراء عمومی و امتناع از تشکیل مجلس - چنانکه در این مقاله بررسی شده است - یکی از دلایل موثر در شکل‌گیری حرکتی شد که در بهار سال ۱۲۹۹ به خیزش شیخ محمد خیابانی و تشکیل آزادیستان در تبریز منجر شد.

سخنران دیگر این همایش دکتر غلامرضا وطن‌دوست از دانشگاه شیراز بود که تحت عنوان «آشفته‌گی ایران در آستانه انقلاب مشروطه» سخنرانی خود را ارائه کرد. وی در سخنرانی خود نخست اوضاع سیاسی ایران را در این دوره مورد مطالعه و سپس ساختار قدرت و نظام ایالتی را مورد ارزیابی قرار داد. و سعی کرد که از جمله ویژگی‌های قدرت در ایران، زورآزمایی و تقابل قدرت دولت مرکزی با قدرتهای ایالات یا به عبارت دیگر، قدرتهای گریز از مرکز را به تصویر در آورد.



● دکتر منصوره اتحادیه (عکس از صیامی).

دکتر وطن‌دوست در بخش پایانی سخنرانی خود علل مهاجرت بی‌شمار ایرانیان به خارج از کشور را در آن دوران مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که خود بازنتاب و نمایانگر اوضاع وخیم اقتصادی بوده است.

دکتر منصوره اتحادیه درباره «پیدایش احزاب و انجمن‌های سیاسی در مجالس اول و دوم» چنین گفت: در مجلس اول دو جناح تندرو و میانه‌رو یا آزادیخواه و معتدل به وجود آمد. تفاوت اصلی این دو ناشی از اختلاف ایدئولوژیک بود. در مجلس دوم بود که احزاب سیاسی به وجود آمدند. مهمترین این احزاب دموکرات‌ها و اعتدالیون بودند که از همان گروه‌های آزادیخواه و معتدل منشعب شده بودند، ولی چون هیچیک از احزاب دارای اکثریتی نبودند، از این رو دولت‌هایی که بر سر کار می‌آمدند ناتوان بودند.

دکتر سیروس برادران شکوهی تحت عنوان «بیداری و نقش زن در انقلاب مشروطه از خلال روزنامه‌های تبریز» سخنرانی کرد که بخشی از آنرا می‌خوانید:

«حاکمیت مشروطه که به مثابه پوسته سیاسی و اجتماعی نظام بوژروازی بود، در عصر شکوفایی خود با شور و حرارت خاصی از آزادی، جهت بیداری و احقاق و شرکت زن در امور اجتماعی و فرهنگی و آزادیخواهی دفاع کرد.

آشنایی با فرهنگ و تمدن جدید و نفوذ آن در جامعه ایرانی طی دو سده اخیر و نقش عوامل

متعدد اقتصادی، تجاری و فرهنگی قرن حاضر از سویی به بیداری زن ایرانی کمک شایانی کرد. در دورانی که زن در جوامع پیشرفته جهان، دوش به دوش مردان، به حقوق مسلم و انسانی خود دست یافته و به عنوان فردی از جامعه نقش سازنده خود را ایفا می نمود و صفحات درخشانی از ابتکارات و اختراعات خود را، در تاریخ بشری بر جای می گذاشت، زن ایرانی هنوز دست و پا بسته و مقید به سنت های دست و پاگیر و کهنه نظام حاکم بود و به عنوان «ضعیفه» و «ناقص العقل»، جز انجام امور خانگی و متعلقه مرد بودن، فعالیتی در جامعه نداشت.

تاریخ در کشور، تاریخ مذکر بود و جز گوشه خانه و اندرونی مرد، جایی در این فراخنای وسیع جهان بر، زن ایرانی وجود نداشت. وقتی نویسنده متفکر و آگاه از معضلات اعتقادی و اجتماعی، میرزا علی اکبر خان دهخدا، از زبان دختران فروخته شده قوچانی می سرود که: بزرگان جملگی مست غرورند خدا کسی فکر ما نیست. واقعیت زشت و ناپسند ولی رایج جامعه ما را منعکس می ساخت. به تدریج بر اثر آگاهی افراد جامعه و جنبش های اجتماعی که مشخصاً متوجه حقوق زن نیز بودند، در بیداری و احقاق حق و ورود او به متن جامعه ایرانی پیشرفت هایی حاصل شد و شعار آزادی و دخالت زن از جانب کوشندگان و آزادیخواهان و مجامع و سازمانهای متمدنی و مطبوعات زمان سر داده شد.

با تاسیس مدارس جدید، انتشار روزنامه، هم زمان با اوج گیری بیداری ایرانیان، موقعیت اجتماعی زن هر چه جدی تر مورد علاقه قرار گرفت. در این مورد مطبوعات بخصوص روزنامه ها و مجله ها به حق نقش سازنده ایفا کرده و مبارزه پی گیر و پرمخاطره ای در پیش گرفتند. بخصوص در زمان ناصری و مظفری، روزنامه های خارج از ایران، ستونها و چه بسا صفحه هایی را به این امر اختصاص دادند.

در داخل نیز به تدریج زنان و مردان اندیشمند، ابواب جدیدی درباره حقوق اجتماعی زنان گشودند و نقش آنها را گاه بیگاه در مسایل و رخدادهای اجتماعی روز مندرج ساختند. زنده یادانی چون حاج میرزا حسن شکوهی، میرزا حسین خان عدالت، سید محمد شبستری (ابوالضیاء)، حاج میرزا حسن رشديه، میرزا ابوالقاسم فیوضات و... با این تصمیم که پرده برداشتن از هر حقیقتی مفید خواهد بود بر آن شدند تا از حقایق تلخ زندگی زنان پرده بردارند و آنها را بیدار سازند. زنده یادان با درج مکتوبات زنان و هموار ساختن وسایل تربیت نسوان در مطبوعات روز، در واقع موحدترین تنبیهات را از سوی مخالفین نیز استقبال و پذیرا می شدند. از جمله این مطبوعات در اوایل مشروطه روزنامه «انجمن» ارگان انجمن ایالتی و ولایتی آذربایجان است که از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ه. ق. حدود چهار سال در تبریز طبع و توزیع می گردید. اهمیت استنادی و تاریخی آن معلوم است. برای اطلاع از تاریخ آغاز مشروطیت در



● دکتر سیروس برادران شکوهی (عکس از صیامی).

آذربایجان و خدماتی که انجمن ولایتی تبریز نموده این روزنامه یکی از مدارک مهم است. با مرور این روزنامه متوجه اقدامات و نقش زن در کمک‌های مادی و معنوی نهضت می‌شویم. این روزنامه چندین فقره نقش زنان را تحت عنوان: «تلگراف تظلم نسوان قریه ابراهیم آباد من محال عراق» که شکوایه‌ای است از مالکین اراک از جمله حاج آقا محسن عراقی که نفوذ مادی و معنوی هر دو را یک جا دارد و سالی شصت و هفتاد هزار تومان منافع ملکی دارد، قطعه شعر لاهوتی در انعکاس «وفا به عهد» مادری در روزهای مبارزه یازده ماهه تبریزی با مطلع: «تشویش مکن فتح نمودیم پسر جان. اینک به تو هم مژده آزادی و هم نان»، شرکت زنان در واقعه «حاجی قاسم اردبیلی»، «مکتوب زنها به انجمن ایالتی» به عنوان... حضرت والا شاهزاده عین الدوله تحت عنوان: «ما طایفه نسوان تبریز»، «انقلاب و نسوان تبریز» که گفتگویی است در مورد یکی از صحنه‌های افتخارآمیز که «غیرت» و «عفت» و «دلیری و بیداری» نسوان را ستوده و نشان می‌دهد که زنان گذشته از اینکه در پشت جبهه و سنگرها شرکت داشتند در میدانهای نبرد نیز گهگاهی جانفشانی می‌کردند: «شیرزنان تبریز در این دوره انقلاب موقع مخصوصی است تاکنون در اوارق ملی موضوع بحث نگردیده این نکته حیرت‌انگیز و جاذب، دقت نظر خبرنگاران جراید اروپا بوده و به خود جلب کرده چنانکه بارها در مقالاتشان داد غیرت و دلیری و عفت نسوان آذربایجان را داده‌اند... آنکه در محاربات سابق اجساد شیرزنان مسلح در میدانهای جنگ -

امیرخیز - خیابان - میان شهدای حریت پیدا شده است به موجب استخبارات صحیحه و اطلاعات موثقه که در دست داریم هستند زنان شیرافکن در یک نقطه مهمه شهر که به گاه جنگ با تغییر قیافت به یک مهارت خصوصی که در کار تیراندازی دارند سینه دشمن را می شکافتند و آتش به فرق نامردانه سپاه یزید می بارند. موضوع حضور زنان در جنگها را طاهرزاده بهزاد هم به نوعی بازگو می کند: «روزی در انجمن حقیقت می خواستند یکی از زخمی ها را زخم بندی بکنند. مجروح اصرار می کرد که لباس او را نکنند و بگذارند جان بدهد. تعجب کردند. بالاخره ستارخان نصیحت کرد که موافقت بکند تا زخم او را ببندند مجروح از روی ناچاری گفت من مرد نیستم و دخترم، میل ندارم لباس از تن بکنم. ستارخان منقلب و چشمانش پر از اشک شده گفت: «قرم من دیری اولاً اولاً سن نیه دواوه گیدون» = «دختر من، منکه هنوز زنده هستم! تو چرا به جنگ رفتی؟» گویند نام این رزمنده شیرزن «تلی» بوده.

ناظم الاسلام کرمانی هم در شرح یادداشت های روز پنجشنبه ۱۹ رمضان المبارک ۱۳۲۶ ق، با استفاده از چند شبنامه که با ژلاتین تهیه و پخش شده بود در موضوع تقبل پست حکومت آذربایجان از طرف عبدالحسین میرزا فرمانفرما می نویسد: «عوارت آذربایجان قطار قشنگ می بستند با حالت محزونی بچه خود را شیر می دهند مانند نره شیران در میدان جنگ می کوشند که دست بی ناموسی به او دراز نشود ولی مردان...؟! روزنامه «انجمن» باز از نامه یکی از «مخدرات تهران» به نام «آمنه» و از کمک های مادی او به نیکی یاد می کند که با ارسال دو یست منات از طریق روزنامه «اتفاق» باکو به انجمن ایالتی آذربایجان به یاری کمیسیون اعانه مجاهدین و فدائیان برخاسته است.

انجمن ایالتی آذربایجان به یاری کمیسیون اعانه مجاهدین و فدائیان برخاسته است.

چنانکه عنوان شد در انقلاب مشروطه عده کثیری از زنان آذربایجان در صحنه های مبارزاتی و کمک رسانی و کارهای پشت جبهه ای شرکت داشتند و از مساعدتهای مالی زنان به «کمیسیون اعانه» و اهدای جواهرات خود به صندوق مزبور یاد کرده اند و روزنامه هایی چون «شفق» ارگان حزب دموکرات در تبریز و «آنادیلی»، «صحبت»، «باختر»، «امید»، «حروف حق» و «آزادستان» در انعکاس مطالب در راستای بیداری زنان نقش سازنده داشتند کفایت و بسنده می نماید.

سخنران دیگر جلسه بعد از ظهر در صحن حیاط خانه مشروطیت حجت السلام محمدجواد حجتی کرمانی بود که تحت عنوان «آزادی و مساوات از دیدگاه رهبران مشروطه با تکیه بر آراء آخوند خراسانی و میرزای نائینی» سخنرانی خود را ارائه کرد که بخش هایی از آن را می خوانید: با تشکر از برادران عزیز سازمان میراث فرهنگی و استانداری محترم آذربایجان جناب آقای دکتر سبحان اللهی و برادران گرامی آقایان دکتر احمد محیط طباطبائی و آقای مهندس تقی زاده و



● علی دهباشی - محمدجواد حجتی کرمانی و احمد محیط طباطبایی عکس از طوبی ساطعی

۳۱۷

با درود به روح شهدای مشروطیت و نهضت ملی و انقلاب اسلامی بخصوص نامداران و بزرگانی چون آیات ثلاث نجف مرحوم آخوند خراسانی، حاج میرزا حسین تهرانی، حاج شیخ عبدالله مازندرانی، سیدین سندن بهبهانی، طباطبائی و مرحوم شهید شیخ فضل الله نوری و بزرگان خطه آذربایجان شیخ محمد خیابانی، ثقفه اسلام تبریز، ستارخان و باقرخان... و با یاد دو شهید محراب از این خطه دلاور پرور شهید قاضی طباطبائی و شهید مدنی رضوان الله علیه.

در مورد آراء و نظریات سیاسی و مشروطه خواهانه آیت الله العظمی مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی باید نخست به این نکته مهم اشاره کنم که آراء ایشان بیشتر در اعلامیه ها و بیانیه هایی که در جریان مشروطیت صادر شده است انعکاس یافته و از مجموع آنها این برداشت کلی به دست می آید که آن مرحوم از اندیشه مشروطیت و محورهای اصلی آن که نفی استبداد مطلقه شاهان و احقاق حقوق حقه ملت و رهایی از ظلم و ستم برقراری عدالت و مساوات در جامعه ایرانی بوده به شدت جانبداری کرده و به خصوص در برابر شخص محمدعلی شاه به صراحت و با قاطعیت تمام ایستاده و مظالم او را فاش ساخته است. اما آنچه در این مجال در مورد آرا تدوین شده و نظام یافته مرحوم آخوند خراسانی می توانم به عرض برسانم اینست که این اندیشه ها در کتاب معروف تنبیه المله و تنزیه المله نوشته مشهور مرحوم آیت الله العظمی حاجی میرزا حسین نائینی شاگرد برجسته و نامدار مرحوم آخوند به رشته

تحریر در آمده و با تقریظ مرحوم آخوند به چاپ رسیده، تبلور یافته و به اصطلاح امروز «تئوریزه» شده است. در این کتاب از اندیشه مشروطیت که براساس نفی استبداد مطلقه پی‌ریزی شده بود، به اتکای تعالیم اسلامی، به صراحت از شعارهای «آزادی»، «عدالتخواهی» و «مساوات» دفاع کرده و شبهات مطرح شده از سوی مخالفان مشروطیت را با برهان و استدلال علمی، اصول فقهی پاسخ گفته است. شبهات مطرح شده‌ای از سوی مخالفان مشروطه بطور خلاصه در چند محور مطرح می‌شد که امروزه هم پس از گذشت حدود صد سال همان شبهات از سوی پاره‌ای از فضلا و دانشمندان از تریبونهای رسمی و حتی در نماز جمعه‌های تکرار می‌شود... در حالیکه اگر کسی روح علمی و به دور از سیاست‌زدگی کتاب مرحوم نائینی را به دقت مطالعه کند پاسخ این شبهات را که به هیچ رو تازه نیست در آن کتاب خواهد یافت.

مخالفان مشروطه، شعار آزادی، و «مساوات» را به اشتباه - نمی‌گویم به عمد - بدینگونه سی فهمیدند و اعدام می‌کردند که تحقیق این شعارها به معنی اباحی‌گری، حلال شدن محرّمات الهی و لغو کلیه مقررات و احکام الهی است.

انصاف باید داد که بخش لائیک و مخالف دین و روحانیت مشروطه‌طلبان، در نوشته‌های خود، به تصریح و تلویح، مهر تایید بر این فهم نادرست می‌زدند یا بهتر بگویم آراء اینان در باب آزادی و مساوات که در جراید آنروز و لوایح و کتب و یادداشتها نشر می‌یافت، زمینه عینی این سوء فهم را فراهم می‌کرد. به عبارت دیگر: آزادی و مساوات از دو سو. بدفهمیده می‌شد و به غلط تفسیر می‌شد: از یکسو؛ روشنفکران غرب‌زده و لائیک و از سوی دیگر و براساس این تفسیر غلط، پاره‌ای از مقامات بلند پایه روحانی و به تبع آنها بخش عظیم از جامعه متدینین به این بدفهمی دامن می‌زدند. جانبداری آنان و مخالفت اینان، دو لبه یک قیچی بودند که افکار ترقیخواهانه بزرگانی امثال آخوند خراسانی و شاگرد نامدارش میرزای نائینی را در میان گرفته بود. همگان می‌دانند که چگونه مرحوم آخوند، در آستانه سفر به ایران، برای فیصله اختلافات شعله‌ور شده، به مرگ مرموزی درگذشت و شاگرد نامدارش میرزای نائینی این مرد وارسته پس از نوشتن و نشر کتاب جاودانه‌اش، مهجور شد و از نظرها افتاد و انزوا و حتی طبق آنچه روایت کرده‌اند به جمع‌آوری نسخه‌های کتاب خود پرداخت. متأسفم بگویم امروزه روز هم. پس از گذشت، یک قرن از آن تاریخ، «حقه مهر بدان نام و نشان است که بود.» امروزه هم دموکراسی، قانون‌گرایی، آزادیخواهی مساوات طلبی و دیگر شعارهای مترقی که پس از انقلاب اسلامی از زبان بنیانگذار انقلاب با تکرار فراوان و کم بیش شنیده شد و رهبر کنونی انقلاب هم به کرات میانی آن را تایید و به برپاداشتن آن ابرام و اصرار ورزید از سوی پاره‌ای از اساتید روحانی و جزم آنها مورد خدشه قرار می‌گیرد و سخنرانیها و مقالاتی در تشنیع و تخریب آن عرضه میشود.



آری، داستان یکصد ساله و حتی یک و نیم قرنۀ درگیری فکری میان نوآوران دینی و سنت‌گرایانی که عمداً به سهو و بر اثر سوء تفاهم، مبانی آزادیخواهی و مساوات‌طلبی را برگرفته از غرب و منافق با مبانی دینی و آموزشهای اسلامی می‌دانند، در حال حاضر با شدت هر چه تمامتر تکرار می‌شود و سناریوی مکرر آن پیوسته در حال بازنویسی و فیلم آن نیز همیشه در حال اُگران است! اکنون اندکی به تفسیر درست دو واژه مظلوم آزادی و مساوات می‌پردازم:!!

«آزادی» آنگونه که رهبران روحانی مشروطیت از جمله آخوند خراسانی و میرزای نائینی می‌فهمیدند عبارت بود از آزادی از استبداد و سلطه بیگانه. اینان از یکسو با استعمار و سلطۀ خارجی و از یکسو با استبداد و سلطه مسئولیت‌شناسی داخلی مبارزه می‌کردند. اینان، آزادی را ارمغان انبیاء بزرگ خدا و مصلحان و خادمان نام‌آور بشریت می‌دانستند. این آزادی، همان بود که قرن‌ها از زبان حضرت علی (ع) هم به گوش مسلمانان خورده بود یا از زبان امام حسین (ع) می‌شنیدند.

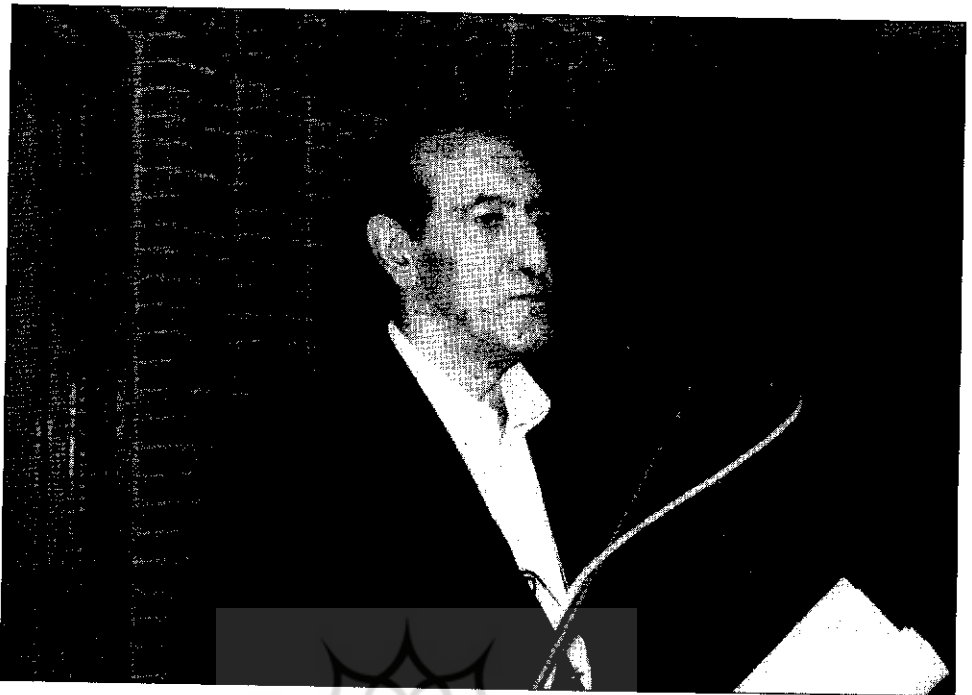
شگفتناکه امت اسلام، از چنین میراث افتخارآفرینی برخوردار بود که می‌توانست بر تمام جهان علم افتخار برافرازد که ما و قرن‌هاست پیشتاز آزادی بوده‌ایم و اینها هم اسناد انکارناپذیر و فرهنگی و دینی‌مان. اما افسوس که حتی بزرگانی به این اشتباه کشته‌دچار شدند که چون دیگر اندیشانی آزادی را بد معنی کرده‌اند، این میراث عظیم فرهنگ بشری را که میراثی خودی و

مذهبی و دینی بود، به بیگانه نه نسبت دادند و آن را بد و زیان‌بخش و مخالف دین و وحی معرفی کردند.

شعار «مساوات» نیز چنین بود: مساوات در فرهنگ ارجمند اسلامی از چنان ارزش و الاثی برخوردار بود که پیشوای مسلمانان امام علی بن ابیطالب (ع) به قاضی محکم اعتراض می‌کند که چرا او را - یعنی حاکم مقتدر مسلمانان را - در ادای احترام لفظی، برطرف دعوی او که یک مسیحی یا یهودی است - برتری داده و این دو را در محکمه عدل اسلامی به یک چشم نگاه نکرده است. این شعار والا که متضمن ارزش‌گذاری به کرامت انسانی، صرف‌نظر از هرگونه عقیده دینی و مذهبی یا موضعگیری سیاسی و مسلکی است. به این معنایی غلط تفسیر شد که مشروطه‌طلبان بر سر آنند که حریم اسلام و بشکنند و شرط مسلمان را نادیده بگیرند و نامسلمانان را بر مسلمانان مسلط کنند... این فهم غلط که هنوز هم بر اندیشه پاره‌ای از ما روحانیون و پیروان دینی یا هواداران سیاسی‌مان، حاکم است از این نکته بدیهی که در همهٔ جوامع و حکومتها، جاری و ساری است غفلت یا تغافل می‌کنند که هیچ حکومتی در هیچ کجای دنیا، برای تصدی پستهای حکومتی، آزادی به معنای بی‌ضابطگی و لایشرط بودن قائل نیست. زیرا که بهر حال، مسئولیت حکومتی، دارای پیش شرطهای عقلی و عرفی پذیرفته شده‌ای است که دستکم، اطلاع بر حرفه سیاست و مدیریت، توان روحی و جسمی برای اداره حوزه مسئولیت، حداقل دانش و درک و توان سیاسی و اداری، در هر کسی که بخواهد به پستی از پستهای حکومتی دست یابد، ضروری است.

اتفاقاً در کشورهای پیشرفته کنونی جهان - همین کشورهایی که از آنها بد می‌گوئیم و صدها پرونده ضد انسانی هم در پرونده‌شان ثبت شده است، برای تصدی مسئولیت‌های حکومتی به خصوص برای پستهای کلیدی شرط و شروط بسیار فراوانی وجود دارند، هر چند اینان در مقوله حکومت از نظر اخلاقی یا بشر دوستی یا فضائل انسانی لایشرطند! در این کشورها هر کسی که از راه برسد که به حکومت نمی‌رسد! و متصدی مسئولیت‌های خطیر نمیشود! اگر مبارزه و رقابت و بند و بستی هم هست میان همان به اصطلاح نخبگان است... کجای دنیاست که هر کس بدون هیچ پیش شرطی بتواند رئیس جمهور یا فرمانده نظامی یا رئیس دستگاه اطلاعاتی در حوزه‌های علمی و فرهنگی، رئیس دانشگاه یا مؤسسات علمی و پژوهشی شود یا به مقام مشاوره سیاسی یا علمی یا فنی - تخصص برسد!؟

«مساوات» در تفسیر درست، به معنای شواهد شرایط مساوی برای همه کسی است که بتواند به آنچه لایق آنست، دست یابد و این البته به کوشش و حمایت و تلاش و پیگیری و جوهرهٔ خود آن کس بستگی دارد و نیز پاره‌ای از ظرفیتهای اجتماعی و زمینه‌ها و روابط متغیر...



● دکتر اسفندیار قره‌باغی قطعاتی را اجرا کرد. (عکس از محمدعلی جدیدالاسلام).

۳۲۱

در اینجا یک نکته بسیار بسیار مهم است که با اینکه وقت شما را می‌گیرم و پیشاپیش معذرت می‌خوانیم ناگزیه هم به اجمال و اشاره از آن سخن گویم و آن پیش شرط مسلمانی در تصدی پاره‌ای از پستهای کلیدی حکومتی است در اسلام یا با احتیاط بگویم، فهم ما از اسلام است که این را موضوع، به حتی، هم مورد توجه و نقد و بررسی و اشکال و ایراد روشنفکران لائیک و غیرمذهبی - و حتی در زمان، پاره‌ای از نوگرایان مذهبی قرار گرفته و هم مورد توجه حساسیت برانگیز منتقدان نوگرایان دینی و معترضان به شعار مساوات... چه آنان که بر اثر سوء فهم چنین می‌کنند و چه آنان که مغرضانه و به عمد و سیاسی کارانه سخن می‌گویند.

به پندار من، هر دو گروه اشتباه می‌کنند. حقیر این مطلب را براساس اقتراح و پیشنهاد به جمع فضیلتی کشور که در این محفل فراهم آمده‌اند تقدیم می‌دارم و خواهش می‌کنم درباره آن بادقتی در خور، به مطالعه بپردازند، هر چند شاید خود طرحتی این پیشنهاد در این محفل - جز اینکه شاید خارج از موضوع بنماید - به ناشایستگی و ناپختگی پیشنهاد دهنده حمل شود که امیدوارم چنین نباشد. خلاصه حرف من اینست که: اگر حکومتی دینی در جامعه‌ای دینی براساس دین و مقررات دینی تشکیل شد، این چنین حکومتی، مقررات ویژه‌ای داد و پیش شرط تصدی پستها در چنین حکومتی، منطقاً از حکومت‌های غیردینی - لائیک - سکولار - متفاوت است. این سخن، فارغ از ارزش‌گذاری است. است و تنها به بحث منطقی واقع‌گرایانه می‌پردازد.

دقت فرمائید: گاه، مادر مورد درستی و نادرستی، عادلانه بودن یا غیرعادلانه بودن، منطقی بودن و غیرمنطقی بودن، کار آمد بودن یا ناکار آمد بودن حکومت دینی سخن می‌گوئیم و گاه، در مورد منطقی و عقلانی بودن شرایط و مقررات و پیش شرطهای تصدّی مسئولیتها - مخصوصاً مسئولیتها - مخصوصاً مسئولیتهای کلیدی - در حکومتهای دینی. بنده عرض می‌کنم این دو مبحث، در ذهن ما و نیز در نوشته‌ها و بررسیها و حتی در بررسیها و پژوهشهای علمی، حتی در میان نوگرایان دینی ما، با هم مخلوط می‌شود و حدود ثغور آن در هم می‌آمیزد.

اندکی توضیح می‌دهم: ما در بحث اول، می‌توانیم تا یک جایی پیش برویم یعنی در مورد درستی یا نادرستی، منطقی و عقلانی بودن یا نبودن به صلاح و مصلحت بودن یا نبودن آن حکومت دینی بحث کنیم. موافق باشیم یا مخالف.

اما بحث دیگر، در مورد یک حکومت واقعی خارجی است که درست یا نادرست، می‌گوید من برخاسته از یک جامعه دینی مسلمان هستم و ملتزم به ترویج و تبلیغ دین و برقراری مقررات دینی و موازین و احکام اسلامی هستم. چنین حکومتی، فلسفه تاسیس خود را به جز آنچه در سایر حکومتها وجود دارد از قبیل تنظیم و اداره زندگی مادی مردم، حفاظت و پاسداری از حدود و موازین دینی می‌داند. در اینجا مسئله این نیست که چنین حکومتی، در مبانی فلسفی و دیدگاههای تئوریک خود درست می‌گوید یا نادرست. در اینجا مسئله اینست که آیا در چنین حکومتی با چنین داعیه‌ای، غیرمسلمان می‌تواند متصدی پست‌های کلیدی شود. یعنی کسی که به اصل اسلام عقیده ندارد (باز هم بحث این نیست که آقای اسلام حق است یا نه) می‌تواند متصدی حکومتی شود که مسئولش را به جز مسئولیتهای عامّ حکومتی که در همه جای دنیا یکسان است، پاسداری از شریعت و ترویج دین می‌داند؟

یک پرسش، مرادم را آشکارتر می‌کند. آیا در عرف مقبول سیاسی عامّ فعلی جهان که حکومتهای ملّی براساس «ملت - کشور» به وجود آمده‌اند، اینکه مثلاً یک عرب یا یک اروپائی از تصویری پستهای کلیدی یا حتی غیرکلیدی در ایران ممنوع است یا بالعکس یک ایرانی در کشورهای دیگر چنین است، برخلاف اصل مساوات حقوق بشری است؟ آیا از نظر حقوق بشر امروزی، چنین محرومیت‌هایی به رسمیت شناخته شده است؟ چرا! اگر کسی این فلسفه سیاسی را نپذیرفته باشد، و براساس فلسفه «جهان وطنی»، حکومت را حق مساوی همه انسانها، صرفنظر از ملیت و حقوق داخلی کشورها بداند، حق دارد، این را تبعیض ناروا و برخلاف حقوق بشر بداند. با چنین کسی که البته حق دارد چنین بیاندیشد، باید از اساس فلسفه حقوق حکومتی براساس پدیده مقبول جهانی ملّت - کشور سخن گفت درست بر روال گفتگو با کسی که در مبنا و پایه، فلسفه حکومت دینی را قبول ندارد.



● کاوہ بیات - غلامرضا وطن‌دوست و رحیم رئیس‌نیا . عکس از طویبی ساطعی

۳۲۳

به اصل سخن برگردم: سوء فهم دو سویه از دو واژه «آزادی» و «مساوات» که یکی از شعارهای اصلی نهضت مشروطیت بود، طرفین افراط و تفریط را به مقابله یکدیگر واداشت و کسانی مانند آخوند خراسانی و میرزای نائینی را عملاً منزوی ساخت و اکنون پس از گذشت یک قرن، این سوء فهم دو سویه در زمان ما، در جمهوری اسلامی به خصوص پس از بازخوان درخشان انقلاب در ۲ خرداد ۱۳۷۶ و تاکید بر آن در خرداد ۱۳۸۰، همچنان از دو سو ادامه دارد... اکنون دو سوی افراط و تفریط در کام همان اشتباهی فرو افتاده‌اند که پدران ما در صدر مشروطیت افتادند که بازخوان طبیعی آن، ظهور استبداد رژیم پهلوی بود که بر هیچکس رحم نکرد و روشنفکر معترض، همانگونه در آتش این استبداد سوخت که روحانی معترض.

سرگذشت مشابه امثال عشقی، فرخی یزدی و امثال شهید مدرس پیش روی ماست و پناه به خدا از اینکه ما براساس ناسپاسی به نعمت اسلام و انقلاب اسلامی و وحدت مثال زدنی مردم در پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و نهضت اصلاحی دوم خرداد، به کيفر الهی دچار شویم و خداوند به عقوبت، این نعمت‌ها را از ما باز ستاند و بر ما همان رود که بر پیشینیان ناسپاس ما رفت

متن کامل سخنرانی استاد رحیم رئیس‌نیا تحت عنوان «طرح آزادی قلم در مطبوعات دوره مشروطیت اول» در شماره آینده منتشر خواهد شد.

کتاب برجسته سال

انتظار بسر رسید!

فرهنگ عربی - فارسی فرزنان
تألیف استاد پرویز اتابکی

دوره گالینگور، در ۲ جلد نفیس، با روکش و اندکس انگشتی

قیمت دوره: ۲۵ هزار تومان

شامل بیش از هفتاد و پنج هزار واژه عربی از قدیمترین ایام عرب تا جدیدترین اصطلاحات علم و ادب. کتاب مرجعی که مورد ستایش همه صاحب نظران و اساتید فن و روزنامه‌ها قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

خیابان کریم خان، خیابان شهید حسینی (مدیری)، پلاک ۱۶

کدپستی ۱۵۸۵۶، صندوق پستی: ۵۷۶ / ۱۹۶۱۵

تلفن: ۴-۸۳۱۰۲۵۳ ؛ فاکس: ۸۳۱۰۲۵۵

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.com

